



## درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: وضع

موضوع جزئی: معانی حرفیه - مسلک سوم - نظریه امام (ره)

سال: چهارم

تاریخ: ۳۰ بهمن ۱۳۹۱

مصادف با: ۷ ربیع الثانی ۱۴۳۴

جلسه: ۷۴

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

ملخص نظریه امام (ره) این شد که یک قسم از حروف حاکی از ارتباطات و اضافات بین جواهر و اعراض هستند، چه این ربط و اضافه در خارج باشد و چه در ذهن، چون گاهی متکلم از خارج حکایت می‌کند یعنی ارتباط جواهر و اعراض را در خارج بیان می‌کند که از حروف یا هیئات استفاده می‌کند و گاهی قصد دارد از صور معقوله و مرتبطه در ذهن حکایت کند که در این صورت هم چاره‌ای جز استفاده از حروف ندارد پس یک قسم از حروف حکایت از ارتباطات معانی اسمیه دارند اما قسم دوم حاکی از واقع نیستند بلکه موجد معنای خودشان هستند یعنی این حروف مثل حرف نداء آلت برای ایجاد معنای خودش است، این محصل فرمایش امام (ره) بود.

### تفاوت نظر امام (ره) و نظر اعلام ثلاثه:

### تفاوت نظر امام (ره) با نظر محقق نائینی:

محقق نائینی فرمود حروف برای ایجاد ربط بین اجزاء کلام وضع شده‌اند یا به تعبیر بعضی، حروف برای ایجاد ربط بین مفاهیم در ذهن و عالم معنی وضع شده‌اند، پس به نظر محقق نائینی، معانی حرفیه ایجادیه هستند که منظور یا ایجاد ربط بین اجزاء کلام است و یا ایجاد ربط بین مفاهیم در عالم معنی و در ذهن که این دو با هم فرق می‌کند، گاهی می‌خواهد بین اجزاء یک جمله ربط ایجاد کند و گاهی می‌خواهد بین مفاهیم ذهنیه ربط ایجاد کند، به هر حال به نظر محقق نائینی همین که حرف استعمال می‌شود ربط و نسبت به وسیله استعمال ایجاد می‌شود و شاهد بر این مطلب این است که حروف قبل از وقوع در ترکیب جمله اگر به تنهایی استعمال شوند، هیچ معنایی ندارند یعنی هیچ واقعیتی برای حروف نیست اما وقتی در قالب جمله قرار می‌گیرند به واسطه استعمال، یک واقعیتی به نام ربط پدید می‌آید لکن امام (ره) فرمودند این گونه نیست که همه حروف ایجادیه باشند بلکه فقط بعضی از حروف مثل حروف نداء، قسم، تشبیه و امثال آن ایجادیه می‌باشند و منظور از ایجادیه بودن حروف هم ایجاد ربط نیست بلکه ایجاد معنای خودشان است، همچنین امام (ره) می‌فرمایند: درست است که حرف به تنهایی معنایی ندارد اما منظور از اینکه می‌گوییم حرف به تنهایی معنی ندارد این است که معنای حرف یک معنای ربطی است که هم در خارج و هم در ذهن و هم در استعمال وابسته به طرفین است لذا باید همیشه به همراه طرفین باشد تا حکایت از ربط کند، بنابراین به تنهایی حاکی نیست، پس از این جهت نظر امام (ره) کاملاً با نظر محقق نائینی متفاوت است؛ چون به نظر امام (ره)

این واقعیت و ربط وجود دارد نه اینکه به وسیله استعمال ایجاد شود، حروف وضع شده‌اند برای حکایت از این ربط چه در ذهن و چه در خارج گرچه ذهن این قابلیت را دارد که مفاهیم را بدون هیچ ارتباطی با یکدیگر هم تصور کند لکن این واقعیت و ربط چه در ذهن و چه در خارج متقوم به طرفین است و استقلال ندارد پس اگر امام (ره) می‌فرماید حروف به تنهایی معنی ندارند به ظاهر با کلام محقق نائینی یکی است چون او هم می‌گوید حروف به تنهایی معنی ندارند ولی محقق نائینی می‌گوید حروف به تنهایی معنی ندارند چون هیچ واقعیت و ربطی نیست تا حروف بخواهند از آن حکایت کنند اما امام (ره) می‌فرماید حروف به تنهایی معنی ندارند نه به این خاطر که واقعیت و ربطی نیست تا از آن حکایت کنند چون واقعیت وجود دارد ولی اینکه حروف به تنهایی معنی ندارند به خاطر این است که متقوم به طرفین هستند و باید دو طرف باشند تا این معنی معلوم شود.

#### **تفاوت نظریه امام (ره) با محقق عراقی:**

محقق عراقی طبق یک تقریر، فرمود معنای حرفی همان اعراض نسبیّه (وجود اعراض نسبیّه در خارج نیازمند به موضوع و محل است اما مفهوماً مستقل است یعنی ماهیت تامه دارد) است یعنی حروف برای اعراض نسبیّه وضع شده‌اند و ربط بین معانی به واسطه هیأت جمله ایجاد می‌شود، تفاوت نظریه امام (ره) با محقق عراقی هم روشن است چون آن نقشی را که محقق عراقی برای هیئات قائل شدند امام (ره) این نقش را برای حروف (بعضی حروف) قائل است، حصول الجواهر للاعراض در واقع یک وجود رابط است که آن ربط همان معنای حرفی است و این هم می‌تواند در خارج باشد و هم در ذهن، البته طبق تقریر دیگری که از کلام محقق عراقی شد که معنای حرفی عبارت از همان روابط و نسب ذهنیه (وجود ربط و نسبت مندک در طرفین است و هم در خارج مستقل نیست و هم در ذهن یعنی در ذهن هم نیازمند به طرفین است و ماهیت تامه مستقل ندارد) است، بدیهی است که تفاوت‌هایی که بین کلام امام (ره) و محقق اصفهانی وجود دارد باید ذکر شود چون طبق این فرض نظر محقق عراقی به کلام محقق اصفهانی باز می‌گردد.

#### **تفاوت نظریه امام (ره) با محقق اصفهانی:**

محقق اصفهانی معنای حرفی را همان روابط و نسب دانست و فرمود حروف برای انحاء نسب و روابط وضع شده‌اند لذا حروف از ربط و نسبت حکایت می‌کنند، ایشان این مطلب را درباره همه حروف فرموده است. اولین تفاوت نظریه امام (ره) با محقق اصفهانی در اطلاق کلام ایشان است، به نظر امام (ره) بعضی از حروف مثل فی، الی، من، علی و امثال آن برای حکایت از ربط و نسبت وضع شده‌اند و حاکی از ربط و نسبت می‌باشند ولی بعضی از حروف مثل حروف نداء، قسم، تأکید و امثال آن برای حکایت از نسبت و ربط نیستند. بعلاوه آنچه از کلمات امام (ره) معلوم شد این بود که ایشان بعد از تحلیل واقعیت هم در عالم خارج و هم در عالم ذهن و با قطع نظر از الفاظ و وضع و دلالت، به حقیقت ربط و نسبت در عالم خارج و در ذهن اشاره کردند و فرمودند ملاحظه وضع و دلالت، اگر متکلم خواست از ربط خارجی جواهر و اعراض حکایت کند یعنی حصول اعراض در جواهر را بیان کند باید از حروف استفاده کند، بالاخره ربط جسم و بیاض در عالم واقع یک ربط واقعی

است که اگر متکلم بخواهد این را با لفظ بیان کند از حرف «لام» استفاده می‌کند و می‌گوید: «الجسم له البياض». پس حرف لام حکایت می‌کند از ربط خارجی جسم و بياض، گاهی این ربط، ربطِ ذهنی است، حال اگر متکلم بخواهد از صور معقوله مرتبته یعنی ربط بین مفاهیم حکایت کند باز هم باید از حروف استفاده کند، عمده فرمایش امام (ره) این شد که حروف حاکی از ارتباطات و اضافات بین جواهر و اعراض می‌باشند چه در ذهن و چه در خارج، یعنی چه این اضافه و ربط در عالم خارج باشد مثل «الجسم له البياض» و چه در ذهن باشد. حال باید ببینیم آیا نظر محقق اصفهانی هم همین است؟ ما کلمات محقق اصفهانی را شرح دادیم. با توجه به قرائنی که در کلام محقق اصفهانی وجود داشت و ما به آن قرائن اشاره کردیم ایشان معتقد است موطن معنای حرفی ذهن است و به تعبیر بهتر معنای حرفی یک قسم از وجود رابط است یعنی گویا وجود رابط بر دو قسم است که یک قسم در خارج است که همان ربط‌های تکوینی است و یک قسم در ذهن است و معنای حرفی عبارت از وجود رابط در ذهن یعنی همان ربطِ ذهنی است یعنی از نسبت خارجی به معنای حرفی تعبیر نمی‌شود. طبق این نظر حروف برای ربط و نسبت بین دو مفهوم وضع شده‌اند، اگر چه به نظر محقق اصفهانی خود آن ربط بین مفاهیم از سنخ وجود است و ربط به حمل شایع است و این ربط به حمل شایع گاهی در ذهن و گاهی در خارج است. پس نظر محقق اصفهانی این است که حروف برای ربطِ ذهنی بین مفاهیم وضع شده است که خود این ربط از سنخ وجود است اما به نظر امام (ره) حروف برای مطلق ربط، وضع شده‌اند و معنای حرفی مطلق ربط و نسبت است چه این ربط و نسبت در ذهن باشد و چه در خارج، حروف از نسب و روابط حکایت می‌کنند که این نسبت گاهی در ذهن است و گاهی در خارج. برای اینکه این مطلب روشن‌تر شود به دو مثال زیر توجه کنید:

در مثل «زیدٌ فی الدار»، لفظ «فی» حرفی است که حاکی از یک نسبت خارجی است. نسبت و ربط خارجی محکی حرف «فی»، همان حصول عرض برای جوهر یعنی ظرفیت دار برای زید است که این ظرفیت در خارج محقق است و این ربط و نسبت یک ربط و نسبت خارجی است و «فی» از این ربط و نسبت حکایت می‌کند.

گاهی ممکن است این نسبت و ربط در ذهن باشد و «فی» از ربط و نسبت در ذهن حکایت کند. در مثال «شریک الباری فی کتم العدم او فی صقع العدم»، حرف «فی» از نسبت و ربطِ ذهنی بین شریک الباری و کتم العدم حکایت می‌کند، حرف «فی» در این مثال هم بر نسبت ظرفیت دلالت می‌کند ولی این ظرفیت بین صورت معقوله و مفهوم شریک الباری و مفهوم عدم است و هیچ کدام از این دو مفهوم در خارج وجود ندارند پس «فی» از ربط و نسبت بین این دو مفهوم حکایت کرده لکن این ربط و نسبت، ذهنی است نه خارجی. در همان مثال «زیدٌ فی الدار» گاهی ممکن است نسبت و ربط تکوینی نباشد یعنی در واقع زید در خانه نباشد اما وقتی گفته می‌شود «زیدٌ فی الدار» با اینکه هیچ ربطی در خارج بین دار و زید محقق نشده و دار به حسب واقع ظرفیت برای زید پیدا نکرده، حرف «فی» از ربط و نسبت بین مفهوم زید و دار در ذهن حکایت می‌کند. این نکته را توجه داشته باشید که چه ربط بین دو چیز، ذهنی باشد و چه خارجی این ربط، واقعی است یعنی حقیقتاً بین دو چیز ربط ایجاد می‌شود هر چند ربط بین دو مفهوم ذهنی باشد. واقعی بودن مساوی با خارجی بودن نیست. آثار ربطِ ذهنی هم این

است که انسان مفاهیم مستقلی را که با حرف به هم مرتبط شده‌اند به عنوان یک قضیه و گزاره به دیگران منتقل می‌کند یعنی در خود انسان یک علم تصدیقی شکل می‌گیرد و آن علم را به دیگران هم منتقل می‌کند که اگر این ربط و نسبت نباشد معنایش این است که هیچ جوهری به هیچ عرضی نه در خارج و نه در ذهن اتصال و پیوند برقرار نمی‌کند.

پس هم طبق نظر امام (ره) و هم طبق نظر محقق اصفهانی، معنای حرفی از سنخ وجود است یعنی وجودی است که قائم به طرفین است لکن طبق آنچه در گذشته گفتیم به نظر محقق اصفهانی حروف برای ربط و نسبت بین مفاهیم ذهنی وضع شده‌اند اگر چه خود این ربط، ربط به حمل شایع است نه ربط به حمل اولی که اگر ربط به حمل اولی باشد معنای اسمی خواهد بود نه حرفی، ولی امام (ره) می‌فرماید: بعضی از حروف از مطلق ربط و نسبت حکایت می‌کنند که ممکن است این نسبت و ربط، خارجی باشد و ممکن است ذهنی باشد؛ به عبارت دیگر حروف برای افاده نسبت وضع شده چه در خارج و چه در ذهن.

**بحث جلسه آینده:** تا اینجا ما چهار نظریه را رد کردیم که همه آن انظار مبتلا به اشکال بود، ملاحظاتی هم نسبت به نظریه محقق اصفهانی وجود دارد که آن ملاحظات را همراه با نظر مختار انشاء الله در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»